



پنجشنبه
۱۲ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۶۶۹۷

ما از زمستان سال گذشته فیلمبرداری را شروع کردیم و فیلمبرداری شب عید تمام شد؛ چون زمستان با رسال به لحاظ شرایط جوی باامسال متفاوت بود. دی و بهمن سال قبل روزهای پرخیبر و برکنی داشتیم اما شرایط جوی بسیار کار ما را سخت کرد. چون کار برای نسل جوان ساخته می شد واقتضای نسل جوان این بود که مدام تنوع لوکیشن داشته باشیم. حتما در فیلم برای تان محسوس خواهد بود که لوکیشن تکراری خیلی کم داریم، طبیعتا شرایط جوی مهم بود وبخشی از تولید ما را این شرایط سخت کرد. به واسطه موضوعات اجتماعی وسیاسی سال گذشته نیز فرآیند تولید سختی داشتیم. به لحاظ کیفی الحمدلله کار خوبی ساخته شد و امیدواریم بینندگان از دیدن فیلم لذت ببرند.

ما همیشه یک سری ویژگی های داریم که از نسلی به نسل بعدی می بریم؛ مثلا همیشه مشکل صدا داریم و این یکی از ویژگی هایی است که ما همیشه داشته ایم؛ دقیقه نودی هستیم، طبیعتا دقیقه ۹۰ بودن مثل دود در هوای تهران است که اگر نباشد، سخت نفس می کشیم، ما هم انگار اگر کار دقیقه نودی نباشد، انگار اذیتیم و یک جای کار می لنگد.

[۱] از ترکیب بازیگران بگوییذ چطور به این تیم رسیدید؟

چیز خوبی که کار داشت، فیلمنامه ای بود که ما اجازه انتخاب می داد با کدام بازیگر کار کنیم، احساس کردیم سینماهراد خیلی برای مخاطب جذاب است. بانوجه به کامنت هایی که از مخاطب دهه های ۷۰ و ۸۰ می گرفتیم و مشاهدات مان، احساس کردیم سینا خیلی برای مخاطب نسل جدید جذاب است. شاید مخاطبان سایر نسل ها هم ببیند ولدت بیرندا اما نظام مسائل فیلم دغدغه های دهه ۷۰ است. خانم احمدیه هم جزو بازیگران جوانی بودند که در کنار کیفیت ارائه نقش، جزو بهترین های نسل جوان بود. آقای آتیش هم که منحصربه فرداشت، وقتی نقش سختی مثل یک پدر آذری را داشته باشیم، اول و آخر گزینه آقای آتیش است. ایشان واقعا منحصربه فرد است و باید با او کار کنید تا متوجه شوید. هرچقدر از کیفیت فنی، هنری، اخلاقی و... ایشان بگویم کم است. خیلی ازایشان یاد گرفتم. سر وقت می آمد، عمده سکانس ها تک برداشت بود. واقعا کار کردن با ایشان لذت بخش بود و یکی از آرزوهایم این است دوباره باایشان کار کنم. خانم خیراندیش هم که مثل نشان شان یک گوهر است و ما به از آن سینما ندار. کمند امیرسلیمانی و آقای چراغی پور هم نقش خوبی دارند و هم تعیین کننده هستند. نقش شان در پیشروی داستان کارکرد دارد.

[۲] از قرآن پیادست به کشتنه خیلی خوب نگاه کردید. احساس می کنید در اکران هم موفق باشید؟

کم قطعلی یک سوء تفاهمی برای یک سری هنرمندان پیش آمد که اگر از واژه «بفرش» استفاده کنیم، به داست با یایی کلاسی است در حالی که فروش در سینما یعنی تعداد مخاطب و تعداد مخاطب یعنی اصالت سینما. این حرف من نیست، حرف مرتضی آوینی است. ایشان می گوید اگر نتوانید مخاطب را سرگرم کنید شرط لازم سینما را نندازید. این گزاره درست نیست، گزاره مرتضی آوینی است؛ غریبی ها هم قطعا سرگرمی اولویت شان است، لذا رویکرد بفرش بودن فیلم، درست ومنطقی است به ویژه اگر از بنودجه دولت استفاده شود باید این اتفاق بیفتد. خیلی ناراحت می شوم یک جایی فیلمی با فاکتور سینما ساخته می شود و در تلویزیون بخش می گردد یا برخی مواقع در پروداکشن فیلم های دولتی بی دقتی هایی می کنیم. باید حتما مخاطب مهندسدی شود. درباره اثر فکر شود. حداکثر تلاش برای جذب مخاطب صورت گیرد. اینها لوازم اولیه کار است. خوشبختانه واژه یی تلاش های موفقی در این زمینه داشته است ونشان می دهد دوستان در این زمینه کار می کنند و برنامه دارند. روایت فتح هم که با آنها کار کردیم در «موقعیت مهدی» یک نمونه موفق داشتند با ۱۲ میلیارد فروش و نسی بسیار خوبی به نسبت یک اثر دفاع مقدسی داشت. به لحاظ فنی وهنری هم خوب بود. اگر می خواهیم برتره شهید بسازیم با همین رویکرد باید بسازیم.

[۳] یک سؤال دارم که شاید کلیشه ای باشد اما دوست دارم بدانم آیا محسن شیرازی به سیمرغ اسمال فکر می کند؟

قبلا هم گفتم که اگر این فیلم مورد توجه جشنواره قرار بگیرد نشان دهنده بلوغ سیاست گذاری در جشنواره است. شخص بنده احساس می کنم به مرحله ای رسیده ایم که متوجه شدیم باید به فیلم کمدی توجه کرد چون مخاطب، فیلم کمدی را می بیند و اولویت سید فرهنگی در حوزه سینماست. پس طبیعتا موظفیم برای فیلم کمدی او برنامه ریزی کنیم تا با یک کیفیت خوب ببینند. من به همه فیلم ها احترام می گذارم و اعتقاد دارم کلیت سینمای ایران بسیار شریف و نجیب است، متنوع است و نیروی انسانی با کیفیت دارد. اگر هم فیلم ما جایزه نگیرد مثل گذشته به این نتیجه می رسم که فیلم کمدی جایزه نمی گیرد.

[۴] یعنی کمدی بودن را در نگرفتن جایزه دخیل می دانید؟

نمی توانم این را بگویم اما تاثیرگذار است. البته خیلی ها با داوری اثر هنری مخالفند، چون معتقدند اثر هنری حرف خودش را می زند و مخاطب دارد اما در همه جای دنیا داوری اثر هنری طبیعتا سروکاش با ذائقه است. در هنر هیچ با اثرمز مطلقی برای داوری نداریم، چون هنر با علوم محض فرق دارد. حتما ذائقه تاثیرگذار است، مثلا شاید آقای درویش داور جشنواره شود، به این فیلم سیمرغ دهد و ممکن است آقای مجیدی باشد ندهد. ذائقه، فکرا داشته، طرز فکر و دگربری ذهنی داور با نظام مسائل فیلم در این زمینه دخیل است. حتی ارتباط داور و یامن یا کارگردان هم مهم است. تاثیرگذار است ما هم می دانیم، آنچه که ما را خوشحال می کند برگزاری یک جشنواره فجر خوب و باشکوه و با عظمت است، چون جشنواره فیلم فجر موتور محرکه امید و انگیزه نسل جوان است. من خودم به عنوان تهیه کننده جوان در بسیاری موارد مورد کم لطفی قرار گرفتم، پس زده شدم، توهین به ما شد. به هر حال ما تهیه کننده اول هستیم، آقا زاده هم نیستیم و در این مسیر یکی از چیزهایی که امید و انگیزه ما را شارژ می کرد روای جشنواره فجر بود. این رویا نباید آسیب ببیند و خدشه دار شود. چون جشنواره فجر متعلق به این دولت و آن دولت نیست. این جشنواره به عنوان موتور محرکه امید و انگیزه جوانان سینمای ایران باید با لحاظ باشد. هرچند ممکن است ما با برگزار کننده های آن به لحاظ فکری اشتراکاتی نداشته باشیم، انتقادات تندی می داشته باشیم و اصلا همدیگر را قبول نداشته باشیم ولی اصالت نباید آسیب ببیند. لذا ما چه سیمرغ بگیریم و چه نگیریم مخلص جشنواره فجر هستیم.

[۵] به عقیده شما جشنواره فجر به عنوان برترین کشور تاثیر در روند فیلمسازی ایران داشته است؟

حتما داشته است.



گفت وگو با محسن شیرازی، تهیه کننده فیلم «دور روز دیرتر»

جشنواره، موتور محرکه نسل جوان

بنیاد فرهنگی روایت فتح در ادامه فعالیت سینمایی خود، فیلم کمدی «دو روز دیرتر» را برای حضور در چهل و دومین دوره جشنواره فیلم فجر آماده کرد. فیلمی انتقادی اجتماعی که برخی معتقدند ساخت آن با بحران جمعیت در جامعه و تأکیدات ویژه ای که در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب بر فرهنگ سازی در حوزه فرزندآوری و ازدیاد جمعیت شده، مرتبط است.



علیرحیمی گروه فرهنگ و هنر

داستان این فیلم که علاوه بر وجهه کمدی آن، حضور

تک سیلابی است اما ما در دو روز دیرتر این موضوع را معیار قرار ندادیم و براساس محتوا اسم گذاشتیم. البته اسم آن شاید برای اکران عوض شود اما برگرفته از محتوای فیلم بود.

[۱] آن گونه که در رسانه ها نیز اطلاع رسانی شده است، یک پایه فیلم برکنی از دغدغه های حال حاضر جامعه یعنی فرزندآوری متمرکز است، این که فیلم در مسیر سیاست گذاری های کلان جامعه گام برمی دارد بسیار خیر خوبی است، چرا احساس کردید با توان سینما ذهن مخاطب را می توان جهت داد؟

ابتدا باید اصلاح کنم که فیلم را جع به فرزندآوری نیست، چون تعدادی اخبار هم در اینباره دیدیم. فیلم در واقع مجموعه دغدغه های یک زوج جوان است که فرزندآوری هم می تواند یکی از چالش های آن در شاخ و برگ های قصه باشد و اتفاقا خط هم به داستان می دهد. وقتی ما در جامعه زیست می کنیم طبیعتا قبل از این که آمار هم نشان دهد مشاهدات مان به ما می گوید چه رفتاری هایی در جامعه وجود دارد و به عنوان فیلمساز می دانیم و قطعا گران ترین و تاثیرگذارترین مدیوم سینماست. در عمده کشورهای توسعه یافته دنیا در این زمینه سهم مسئولیت برای سینما تعریف می شود و کارکرد مهمی دارد و گیر و گرفت ما و حاکمیت ما با سینما این است که این کارگردار برای سینما احساس نمی کند. حاکمیت بودجه خوبی به نسبت کل برای سینما و تولیدات هنری می گذارد اما خروجی چیزی نیست که در راستای کاهش هزینه های اجتماعی اش باشد. البته مقصر را سینماگر نمی دانم و اگر سهم تقصیر بخوام قائل شوم اتفاقا باز هم از سیاست گذار می دانم، چون مهره های یک بازی را سیاست گذار باید بچیند و او را در مسیر قرار دهد و در ریل گذاری دقت کند. به شکلی که او مایل باشد و انگیزه داشته باشد کار کند. مثلا انتظار این است که «دو روز دیرتر»، فیلمی که رویکرد فرزندآوری هم دارد هرچند تصریح می کنم را جع به فرزندآوری نیست اما برای مخاطب مشوق می تواند باشد اما سؤال این است آیا از آن حمایت ویژه شده است؟ واقعیت این است که اگر جایی احساس می کنیم نیاز به نقش آفرینی سینما در راستای کاهش هزینه های اجتماعی داریم باید خیلی محسوس عامل انگیزه بخش ایجاد کنیم تا نویسنده بنویسد، کارگردان کار کند، بازیگر بازی کند، تهیه کننده بیاید... اگر نخواهیم این عامل را ایجاد کنیم وبگویم یک بودجه هست هرکس زودتر آمد کار کند، نمی شود رفد دغدغه کرد. ما مشکلات و چالش های مهمی داریم که یکی از آنها فرزندآوری است و حالا باید پرسید در ۱۰ سال گذشته مثلا در حوزه دغدغه مند فرزندآوری چند فیلم ساخته شده است؟ رهبری سال ۹۲ اولین بار بر این کلیدواژه در دیدار مداحان، دیدار نمایندگان مجلس، سران کارگزار نظام و... تاکید کرده اند و سهم مسئولیت برای همه قائل شدند اما تاکنون چه اقدامی شده؟ مثلا در تولید فیلم چه کرده ایم؟ شاید بگویید فیلم «خجالت نکش»

برش

تاثیر جشنواره

در پیشرفت سینمای ایران

بحث تاثیرگذاری جشنواره با جریان سازی متفاوت است. جشنواره همیشه یک تاثیرگذاری خوبی به ویژه برای نسل جوان دارد. استیجی که آقای مجیدی، حاتمی کیا، فرهادی و ... رفته اند طبیعتا برای من یک انگیزه و آرزو برای رسیدن به آن است و تاثیرگذار اما این که چقدر جریان ساز بوده است پاسخ به این سؤال باید توسط مدیران آن داده شود، چون ما از سیاست های جشنواره آگاهی نداریم. آنچه من می بینم این است ریلی که سیاست گذار برای سینمای ایران متصور شده است با ریلی که سینمای ایران دارد شاید فاصله داشته باشد. جریان سازی را به شکل درست نتوانسته انجام دهد، ولی به لحاظ یک رویداد بسیار مهم، انگیزنده و تاثیرگذار از آن یاد می کنم و امیدوارم جشنواره همین طور تاثیرگذار باشد و ضعیف نشود.

نیست. وقتی می بینیم فیلم های اجتماعی ما گرچه کیفیت بسیار بالایی دارند اما باز هم مورد اقبال مردم قرار نمی گیرد و اگر با فیلم های کمدی مقایسه کنیم، هیچ حرفی به لحاظ استقبال مخاطب برای گفتن نداره؛ نشان می دهد باید فکری برای اولویت سید فرهنگی مخاطب بکنیم. وقتی مخاطب به صراحت به ما می گوید در سید کلاهی فرهنگی من فیلم کمدی اولویت دارد، طبیعتا برای این سید باید برنامه ریزی کنیم و بدانیم که با او باید همراه باشیم و فیلم خوب کمدی بسازیم. ضمن این که یک سری جاها نمی شود با کمدی ورود پیدا کرد. مثلا فرض کنید می خواهیم برتره عزیززی را، حالا چه شخصیت ملی، چه فرهنگی و... بسازیم، خوب نمی شود کمدی کار کرد و آن جای خود را دارد اما در جاهای دیگر باید بپذیریم سینما از قلب جامعه برخاسته است و براساس نیاز حال آنها باید حرکت کند. چه در دورانی که چاپلین فیلم می ساخت، چه در دوره فلینی، جنگ و... و حتی در هالیوود دوره های بیلی وایلد، جان وین و...، سینما در خدمت کاهش آسیب های اجتماعی است. فیلمساز همیشه خود را در خدمت این هدف قرار می دهد. در ایران نیز همین است؛ هرچند در کشور ما سختگیری ها نسبت به فیلم های کمدی مقداری بیشتر است. در جشنواره ها و فستیوال ها هم یک قاعده در همه جای دنیا وجود دارد که فیلم کمدی بعضا مورد کم لطفی قرار می گیرد یا به صورت جدی به آن پرداخته نمی شود. بنابراین اگر ما در جشنواره فجر ببینیم «دور روز دیرتر» به یک توجه ویژه رسید و حمایتی از این فیلم شد، به زعم بنده نشان دهنده بلوغ سیاست گذاری جشنواره است؛ چرا؟ چون در مقطع فعلی ببع مهمی رادر کشور تجربه می کنیم، ملت ایران در یک مقطع بسیار مهم و گذر تاریخی خاصی قرار دارند و به دلایل مختلف با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه شده و نمود آن در رفتارهای اجتماعی جامعه کاملا قابل رویت است؛ طبیعتا فیلم کمدی می تواند کمک به جامعه باشد و موتور محرکی برای مردم، بازیساز روحیه مردم و کاهش آسیب رفتارهای اجتماعی باشد. لذا در پاسخ به سؤال شما باید بگویم اگر بخوام عطف به ماسبق کنم فیلم کمدی در جشنواره توفیقی ندارد. در همه جای دنیا هم همین است، حتی آقای جیم کری هرچقدر با کیفیت ایفای نقش کند، قرار نیست به هیچ جایگاه مهمی در جشنواره هنری مختلف دست پیدا کند؛ منتهای مراتب ما باید این را در نظر بگیریم اگر الا آن از فیلم کمدی استقبال و حمایت کنیم قطعا نشان دهنده بلوغ ماست ونشان می دهد ما در راستای کاهش هزینه های اجتماعی قدم برمی داریم، امیدوارم این اتفاق بیفتد.

[۲] برترین یک فیلم قبل از این که حتی پوستر یا تیزر یا بازیگران مطرح باشند عنوان فیلم است. چه شد این نام را برای کارتان انتخاب کردید، آیا می تواند مخاطب را به تماشا جذب کند؟

بی شک با یک بررسی ساده می شود به این نتیجه رسید که فیلم گیشه باید تک سیلابی باشد. این ساده ترین تجزیه و تحلیلی است که می توان ارائه داد؛ تمام فیلم هایی که اقبال گیشه داشتند

[۳] از «دو روز دیرتر» بگویید. داستان چگونه شکل گرفت و به تصویر کشیده شد؟

اوایل تابستان سال گذشته برای اولین بار طرحی توسط آقای سیدمحمد حسینی مطرح شد. طرح کمدی نبود و قصه ای تلخ داشت اما ویژگی مهم آن نقد اجتماعی بود. پس از مطالعه کار، احساس کردیم این قصه عناصری دارد که می شود در بستر طنز اجتماعی تعریف کرد پس تصمیم گرفتیم ریل را عوض کنیم و در قالب یک طنز اجتماعی تبدیل به طرح کنیم. برای این کار با رضا مقصودی هماهنگ کردیم تا عناصر منظرمان را از دل آن قصه استخراج کند. ایشان به یک طرح سینمایی طنز جذاب رسیدند که خیلی دغدغه مند و مرتبط با چالش های نسل جوان بود. برای انتخاب فیلمنامه نویسن، بانوجه به این که احساس کردیم حمیداکبری خامنه به دلیل جوانی و تجربه زیستی، ارتباط بسیار نزدیکی به گفتمان نسل جوان امروز به ویژه نسل جوانی که معضلات و مشکلات ویژه دارد و می تواند ما را کمک کند، از او برای نگارش فیلمنامه استفاده کردیم. او هم فیلمنامه ای غنی، پر از دغدغه و مملو از موضوعاتی نوشت که قابلیت همدات پنداری نسل جوان با فیلم را ایجاد می کرد. بعد آقای نعیمی هم پیش از تولید به ما اضافه شدند و خوشبختانه با بهره گیری از توان بازیگران و تیم اجرایی خوب که اگر نگوییم بهترین، جزو بهترین ها هستند، فیلم تولید شد.

[۴] انتخاب اصغر نعیمی در کسوت کارگردان بر چه اساس بود؟

آقای نعیمی جزو افراد خوش سابقه سینمایی ماست. مقداری هم دغدغه مند است. ما می دانستیم که در شرایط سال گذشته سینما که حتی ترکش های آن اسال هم قابل رویت است، نیازمند این هستیم فردی فیلم بسازد که از تجربه و سابقه کافی برای مدیریت بازیگران و عوامل پشت دوربین برخوردار باشد و از آن تجربه اش در راستای مدیریت و تعامل استفاده کند. در حقیقت ایشان از ماقبل طرح به ما اضافه شدند.

[۵] با وجودی که عموما آثار کمدی در جشنواره مورد توجه داوران نیستند، چرا زانر کمدی را انتخاب کردید؟

اولا ممنونم از این سوال. سؤال بسیار مهمی است. باید بگویم ما قبل از این که یک شخصیت شبه حقوقی به عنوان فیلمساز داشته باشیم، خودمان جزو مردم هستیم و وقتی می بینیم جامعه مخاطب فریاد می زند من در این شرایط فعلی نیازمند یک کار نشاط آور و کمدی هستیم. پس کمدی می سازیم. جامعه ما چطور باید بگوید من کمدی می خواهم؟ اساسا ما همیشه کار را به آمار و پیمایش می کشانیم اما در انتخاب زانر اصلا نیاز

